

دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده اقتصاد

انطباق مدل ظرفیت جذب با مصرف درآمدهای نفتی ایران
طی دوره ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۵

استاد راهنما: جناب آقای دکتر ستاری فر

استاد مشاور: جناب آقای دکتر میدری

استاد داور: جناب آقای دکتر ناظم‌ان

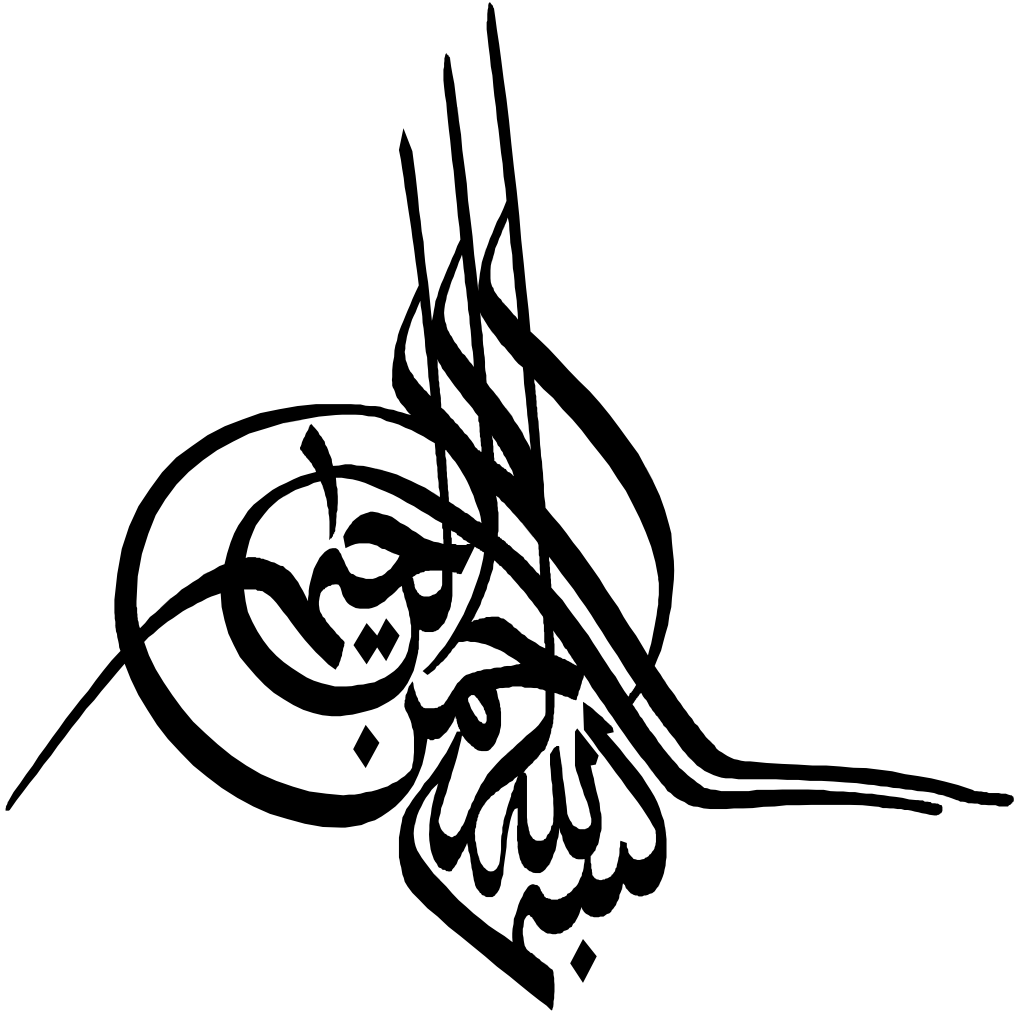
دانشجو: هدی پناهی نژاد

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در

رشته توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی

شهریور ۱۳۸۸



**این پایان نامه را به پدر، مادر و خواهر
عزیزم تقدیم میکنم که در مدت
نگارش آن، محیطی به آرامش آبی دریا
برایم فراهم ساختند.**

تشکر و قدردانی:

بدین وسیله از همکاری کلیه کسانی که در مراحل مختلف مطالعات، تنظیم و نگارش پایان نامه همکاری نموده‌اند و بدون کوشش و همفکری آنها انجام این رساله میسر نمی‌گردید تشکر می‌شود، بالاخص جناب آقای دکتر ستاری‌فر که در نگارش کلیه مراحل این پایان‌نامه همراه و یاری رسان من بودند.

همچنین از جناب آقای دکتر میدری که از نظرات ایشان در نوشتن پایان نامه استفاده وافر بردم و از جناب آقای دکتر مومنی نیز بخاطر در اختیار قرار دادن منابع مطالعاتی تشکر فراوان دارم.

چکیده

کشف نفت در کشورهای در حال توسعه و افزایش قیمت آن از دهه ۷۰ به بعد، در ابتدا به این کشورها نوید نجات از توسعه نیافتگی و پیشی گرفتن از کشورهای توسعه یافته را می داد. این کشورها و بسیاری از اقتصاددانان گمان می کردند استفاده از درآمدهای نفتی می تواند به رشد سریع اقتصادی و توسعه یافتگی بیانجامد ولی آنچه که در عمل رخ داد، دچار شدن کشورهای صاحب درآمدهای نفتی به بیماری هلندی، افزایش فساد مالی و اداری، شکل گیری گروه های رانت خوار و وابستگی بیشتر به کشورهای خارجی و در مجموع افت شاخص های توسعه یافتگی بوده است. تلاش برای بررسی علت این وضعیت نتایجی چون پیدایش نظریه "نفرین منابع" را به همراه داشت که سعی در نمایش عوارض افزایش قیمت نفت بر روی روند توسعه کشورهای متکی بر منابع معدنی داشت این در حالی است که این پدیده در تمامی کشورهای صاحب منابع نفتی رخ نداده و برخی از این کشورها (ایالات متحده، نروژ، مالزی، اندونزی) نه تنها دچار افت شاخص های توسعه یافتگی نشده اند بلکه با مدیریت صحیح منابع و جریان ورودی درآمدهای حاصل از منابع طبیعی توانسته پیشرفت های اقتصادی قابل ملاحظه ای داشته باشند. به این ترتیب این پرسش پیش می آید که علت ایجاد یک چنین وضعی در کشورهای در حال توسعه صاحب درآمد نفتی چیست؟ یکی از دلایلی که منجر به ایجاد نقصان در زمینه هزینه کردن درآمدهای نفتی می شود، عدم توجه به ظرفیت جذب کارآمد یک کشور در هزینه کردن درآمدهای نفتی است که عوارض متعددی چون ایجاد تورم، بیکاری، بدتر شدن کسری تجاری به همراه دارد. بنابراین این پرسش مطرح می شود که چگونه می توان به سنجش ظرفیت جذب کارآمد پرداخت تا به این ترتیب بتوان آن را افزایش داد؟ برای پاسخ گوئی به این پرسش ها به تبیین ظرفیت جذب اجرائی به عنوان یکی از انواع ظرفیت جذب پرداختیم به این ترتیب که نشان دادیم که کشورهای صاحب منابع نفتی در صورت تحقق فرآیند منابع طبیعی- رشد اقتصادی می توانند حفظ ماهیت بین نسلی درآمدهای نفتی خود را تضمین کنند و عامل تعیین کننده در تحقق فرآیند مذکور نیز سرمایه گذاری کارآمد و کارای درآمدهای نفتی است. سپس در ادامه توضیح دادیم که دولتی که بتواند این فرآیند را به خوبی محقق سازد دارای ظرفیت جذب اجرائی است و از آنجا که مهم ترین حلقه از فرآیند منابع طبیعی- رشد اقتصادی، بخش سرمایه گذاری آن می باشد، در ادامه مدلی را معرفی کردیم که ویژگی هائی از ظرفیت جذب اجرائی را که با این حلقه در ارتباط است در قالب یک شبکه برای سنجش ظرفیت جذب اجرائی گرد هم آورده است پس از معرفی مدل مذکور در ادامه به انطباق ویژگی های آن با برنامه چهارم توسعه در ایران به عنوان سند قانونی هدایتگر دولت در یک دوره پنج ساله پرداختیم تا به کیفیت ظرفیت جذب اجرائی دولت پی ببریم و پس از مشخص شدن

ناکافی بودن ظرفیت جذب اجرائی دولت، به بررسی نظر برنامه چهارم توسعه راجع به میزان مطلوب هزینه کردن درآمدهای نفتی در ایران پرداخته و نتیجه‌گیری کردیم که دولت بیش از ظرفیت جذب اجرائی خود به هزینه کردن درآمدهای نفتی پرداخته است که این مصرف بی‌رویه عواقبی را برای کشور به همراه داشته است.

کلید واژه: نفت، سرمایه، ظرفیت جذب اجرائی کارآمد، دولت، حساب ذخیره ارزی.

۹	فصل ۱: کلیات تحقیق.....
۹	۱-۱- بیان مسئله.....
۱۱	۱-۲- مبانی نظری.....
۱۶	۱-۳- سوالات اصلی.....
۱۶	۱-۴- فرضیه.....
۱۶	۱-۵- روش شناسی.....
۲۰	بخش دوم.....
۲۰	فصل دوم: فرآیند تبدیل منابع طبیعی به رشد اقتصادی.....
۲۰	۲-۱- مقدمه:.....
۲۰	۲-۲- فرآیند منابع طبیعی-رشد اقتصادی.....
۲۵	۲-۳- جمع‌بندی.....
۲۶	۳- فصل سوم: جایگاه دولت-بازار در فرآیند تبدیل منابع طبیعی به رشد اقتصادی.....
۲۶	۳-۱- جایگاه دولت- بازار در فرآیند منابع طبیعی-رشد اقتصادی.....
۲۹	۳-۱-۱- توجه به نهادها.....
۳۰	۳-۱-۲- توجه به تقسیم‌ناپذیری‌ها در سرمایه‌گذاری.....
۳۱	۳-۱-۳- توجه به سرمایه انسانی.....
۳۲	۳-۱-۴- سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد اقتصادی.....
۴۱	بخش سوم:.....
۴۱	۴- فصل چهارم: طراحی مدل و الگو برای ظرفیت جذب اجرائی دولت.....
۴۱	۴-۱- مقدمه.....
۴۲	۴-۲- چارچوب و کارکرد ظرفیت جذب اجرائی.....
۴۳	۴-۳- مدل بررسی ظرفیت جذب اجرائی.....
۴۸	۴-۴- فاکتورهای ظرفیت جذب اجرائی کارآمد.....
۴۸	الف. وجود ساختار جامع.....
۵۰	ب. منابع انسانی.....
۵۱	پ. وجود سلسله مراتب سازمانی و دستور العمل شغلی.....
۵۲	۴-۵- سیستم ارزیابی.....
۵۴	۴-۶- جمع‌بندی.....
۵۶	۵- فصل پنجم: تطبیق مدل ظرفیت جذب اجرائی با برنامه چهارم توسعه.....
۵۶	۵-۱- مقدمه.....
۵۶	۵-۲- اجرائی کردن مدل ظرفیت جذب اجرائی در ایران.....
۷۴	۵-۳- نتایج مدل.....
۷۸	۵-۴- وضعیت هزینه کردن درآمدهای نفتی ایران.....
۸۵	۵-۵- وقوع کسری تجاری غیرنفتی.....
۸۸	۵-۶- بیکاری.....
۹۰	۵-۷- تورم، خط فقر و عدالت اجتماعی.....
۹۵	۵-۸- جمع‌بندی.....
۱۰۰	بخش چهارم.....
۱۰۰	۶- فصل ششم: جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....
۱۰۲	۶-۱- پیشنهادات تکمیلی.....
۱۰۴	منابع و مواخذ.....

بخش اول

فصل ۱: کلیات تحقیق

۱-۱- بیان مسئله

مفهوم ظرفیت جذب (همان‌طور که در متون توسعه تعریف شده است) به ظرفیت سازمانی و نیز ظرفیت مهارت نیروی انسانی برای اجرای طرح‌های جدید سرمایه‌گذاری اشاره دارد. در این متون ظرفیت جذب یا نوعی محدودیت محض برای میزان ممکن رشد سرمایه‌گذاری تلقی می‌شود، یا به محدوده‌ای اشاره دارد که پس از آن سرمایه‌گذاری بیشتر سبب بزرگ‌تر شدن نمو نسبت سرمایه به تولید می‌شود. فرض بر این است که این محدودیت‌ها هم در کوتاه‌مدت و هم در بلندمدت از کمبود ظرفیت مدیریتی و اجرائی و فقدان مهارت در کشورهای کمتر توسعه‌یافته ناشی می‌شود. توجیه وجود این فرض که در اقتصاد دارای مازاد نیروی کار سقفی برای میزان رشد بلندمدت سرمایه‌گذاری تعیین می‌شود این است که میزان اکتساب این مهارت‌ها به فرآیندهای یادگیری که ذاتی هر فعالیت سرمایه‌گذاری است بستگی دارد.^۱

در مورد کشور ایران به عنوان یکی از دارندگان ذخایر عظیم نفت و گاز بحثی مطرح می‌شود به این ترتیب که ارزش اقتصادی نفت و گاز استخراج شده با توجه به قیمت فروش آن در بازارهای جهانی، بر اساس قانون اساسی، قوانین دائمی، از منظر حقوقی و مالکیتی در سه دسته قابل تقسیم است:

۱- ارزش ذاتی نفت و گاز (مالکیت عمومی، مشاعی و متعلق به ملت)

۲- حقوق ویژه نفت (بخش مالکیت دولتی درآمدهای نفت)

۳- ارزش حق‌العمل‌کاری (سهم اکتشاف، استخراج نفت توسط شرکت ملی نفت ایران)

ارزش ذاتی بیانگر قیمت و ارزش نفت و گاز (چه در زیرزمین و چه استخراج شده) است که خدادادی بوده و کسی برای آن کاری نکرده است. در بررسی کارشناسی برنامه چهارم این ارزش ذاتی برابر با ۵۰ درصد ارزش بازاری و معاملاتی نفت قرار گرفته است که بر حسب رویکردهای سیاست‌های کلی و برنامه چهارم (بندهای ۴۲، ۵۰ و ۵۱) این ارزش باید در حساب ذخیره ارزی نگهداری شود و از طریق سرمایه‌گذاری توسط بخش خصوصی و بخش تعاونی و رویکردهای توانمندسازی بخش‌ها، توسعه پایدار، بالنده و متوازی را برای کشور به همراه آورد.

حقوق ویژه نفت که بر حسب کارشناسی برنامه چهارم توسعه از ۵۰ درصد باقی‌مانده یا همان رانت منابع (مابه‌التفاوت قیمت بازار با ارزش ذاتی)، ۴۰ درصد آن متعلق به دولت است.

^۱. کارشناس، مسعود، نفت، دولت و صنعتی شدن در ایران، ترجمه علی اصغر سعیدی و یوسف حاجی عبدالوهاب، تاریخ انتشار ۱۳۸۲، ص ۳۰-۴۰.

ارزش حق‌العامل کاری نیز برابر ۱۰ درصد باقی‌مانده رانت در نظر گرفته شده است که جهت هزینه‌های اکتشاف و استخراج نفت به شرکت ملی نفت ایران تعلق دارد^۱.

از بین سه مورد مصرف ذکر شده در بالا، ارزش ذاتی درون حسابی تحت عنوان حساب ذخیره ارزی نگهداری می‌شود که حداقل ۵۰ درصد مبالغ آن باید به بخش خصوصی به صورت وام پرداخت شود تا به این ترتیب از درآمدهای نفتی برای توسعه بازار بتوان بهره گرفت و بخش خصوصی نیز موظف است مبالغ دریافتی در قالب وام را با بازدهی معین پس از مدتی معین به این حساب بازگرداند. مورد دوم که بخشی از رانت نفتی به شمار می‌رود در اختیار دولت قرار می‌گیرد. این حجم از درآمدهای نفتی رقم بسیار کلانی می‌باشد بنابراین شیوه هزینه شدن آن توسط دولت شدیداً می‌تواند بر روی وضعیت اقتصادی تاثیر بگذارد به این مفهوم که هزینه کردن این درآمدها در مصارف جاری و بدون توجه به ظرفیت جذب کارآمد، بی‌توجهی به ماهیت بین نسلی درآمدهاست و ممکن است عواقبی چون تورم، فقر، بیکاری و بدتر شدن تراز جاری را به همراه بیاورد و هزینه کردن درآمدهای نفتی برای سرمایه‌گذاری کارآمد می‌تواند تامین کننده ماهیت بین نسلی این درآمدها باشد که آن هم محقق نمی‌شود مگر اینکه دولت از ظرفیت جذب اجرائی کافی برای سرمایه‌گذاری برخوردار باشد. با توجه به محدودیت‌های ظرفیت جذب اجرائی دولت‌ها در کشورهای در حال توسعه در وهله اول این سوال مطرح می‌شود که ظرفیت جذب اجرائی به چه عناصری بستگی دارد؟ چگونه می‌توان به تعیین ظرفیت جذب اجرائی پرداخت و پس از تعیین آن چگونه می‌توان به افزایش آن در ایران مبادرت ورزید؟ دولت چه نقشی را در افزایش ظرفیت جذب اجرائی و حفظ ماهیت بین نسلی درآمدهای نفتی می‌تواند بازی کند؟ وضعیت دولت ایران از نظر ظرفیت جذب اجرائی چگونه است؟ هزینه کردن درآمدهای نفتی فراتر از ظرفیت جذب اجرائی کارآمد چه عواقبی را ممکن است در پی داشته باشد؟

جهت پاسخگویی به سوالات بالا، با این فرضیه کار را شروع می‌کنیم که مصرف درآمدهای نفتی ایران در دوره ۱۳۷۹-۱۳۸۵ با مدل تعیین‌کننده ظرفیت جذب اجرائی دولت سازگاری ندارد.

در ادامه با ارائه فرآیند منابع طبیعی-رشد اقتصادی به عنوان راه حل حفظ ماهیت بین نسلی درآمدهای نفتی، اعلام می‌کنیم که دولتی که بتواند این فرآیند را به خوبی تحقق بخشد دارای ظرفیت جذب اجرائی است و سپس مدلی را معرفی می‌کنیم که ویژگی‌های مهم‌تر ظرفیت جذب اجرائی را گرد آورده و روشی را برای اندازه‌گیری ظرفیت جذب اجرائی دولت ارائه کرده است سپس به بررسی ظرفیت جذب اجرائی دولت در ایران با جستجوی موارد ذکر شده در روش مذکور در سند برنامه چهارم توسعه می‌پردازیم. مدل مذکور در قالب یک جدول، سعی در بررسی

^۱. ستاری‌فر، محمد، چگونگی هزینه کردن درآمدهای نفتی، روزنامه اعتماد ملی، ۸۶/۱۰/۱.

کیفیت مدیریت دولت و یا همان ظرفیت جذب اجرائی آن دارد و یک سیستم امتیازدهی برای سنجش ظرفیت جذب اجرائی را معرفی می‌کند. و پس از محاسبه شاخص‌های مربوط به ظرفیت جذب اجرائی در ایران به تطبیق هزینه‌های ایران از حساب ذخیره ارزی با حجمی از درآمد نفت که در برنامه چهارم توسعه در ایران باید هزینه می‌شد می‌پردازیم و پس از آن عواقب این هزینه کردن بیش از ظرفیت جذب اجرائی را تبیین می‌کنیم.

۱-۲- مبانی نظری

دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی در کشورهای در حال توسعه صاحب منابع نفتی همواره علامت سوالی را در ذهن اقتصاددانان ایجاد کرده مبنی بر اینکه چرا درآمدهای نفتی در این کشورها نتوانسته امکان رشد و توسعه اقتصادی را فراهم سازد. این کشورها چه اقداماتی را باید انجام می‌دادند که مورد غفلت قرار داده‌اند؟ این کشورها بایستی چه میزان از درآمدهای خود را در اقتصاد هزینه می‌کردند و چه میزان را برای نسل‌های آتی باید باقی می‌گذاشتند؟ چه میزان از درآمدهای هزینه شده در این کشورها جذب کارآمد شده است؟ مروری بر ادبیات موضوع نشان می‌دهد که اقتصاددانان جهت پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها دستیابی به سه هدف مقداری و کیفی را در تحقیقات خود مد نظر قرار داده‌اند که به شرح ذیل اند:

الف- کالبد شکافی علل عدم توسعه یافتگی کشورهای در حال توسعه صاحب درآمدهای نفتی و چگونگی ساخت بستر مناسب هزینه کردن درآمدهای نفتی جهت دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی.

ب- میزان مجاز هزینه کردن درآمدهای نفتی با توجه به ظرفیت جذب اقتصاد.

پ- میزان جذب شده درآمدهای نفتی هزینه شده.

از جمله تحقیقات داخلی انجام شده در گروه "ب" می‌توان به تحقیق داخلی انجام شده توسط خانم فیروزه خلعتبری مبنی بر تکیه بر درآمد دائمی در هزینه کردن درآمدهای نفتی در زمان افزایش این درآمدها جهت حفظ ماهیت بین نسلی درآمدهای نفتی^۱ اشاره کرد. از نظر خلعتبری، دولت باید الگویی برای برآورد درآمد دائمی حاصل از صادرات نفتی خود داشته باشد. از آنجا که دولت‌ها به نمایندگی از طرف جامعه خود به بهره‌برداری از منابع پایان‌پذیر می‌پردازند، توزیع بین-

^۱ خلعتبری، فیروزه، بهره‌برداری بهینه از منابع نفتی در راستای توسعه پایدار، فصلنامه تامین اجتماعی، سال دوم، شماره سوم، پائیز ۱۳۷۹.

نسلی به شدت می‌تواند مطرح شود. نزدیک‌ترین معیاری که می‌تواند به جای درآمد دائمی به کار گرفته شود، متوسط درآمدهای نفتی طی یک دوره زمانی به نسبت طولانی است. برای ایران هم در زمان چاپ مقاله (۱۳۷۹)، متوسط پانزده ساله درآمدهای نفت و گاز برآورد شده و براین اساس نتیجه‌گیری شده است که اگر دولت بخواهد نوسان‌های ناخواسته در درآمدهای ارزی خود را کاهش دهد، در ساده‌ترین حالت می‌تواند روی میانگین متوسط پانزده سال درآمد ارزی خود برنامه ریزی کند.

و همچنین آقای بهروز هادی زنون در مقاله‌ای با توجه به ویژگی‌های تجدیدنپذیری و پایان‌پذیر بودن ثروت نفت و گاز و پر نوسان بودن قیمت جهانی نفت و تغییرات شدید درآمدهای صادرات نفت و گاز، راه‌حل‌های توجه به عدالت بین نسلی از طریق ایجاد صندوق درآمد نفت و گاز و تسطیح زمانی نوسانات درآمد از طریق ایجاد حساب ذخیره ارزی یا حساب تثبیت را تشریح نموده است. در این مقاله آمده است که از آنجا که ثروت نفت و گاز کشور به همه نسل‌ها تعلق دارد، لذا این ثروت باید به نحوی مصرف شود که ارزش سرانه آن برای همه نسل‌ها ثابت بماند و برای تحقق این هدف لازم است بخشی از درآمد نفت پس‌انداز و در دارایی‌های مالی با بازده مطمئن سرمایه‌گذاری شوند. در این بین مصرف سرانه ثابت در طی زمان از سود سرمایه‌گذاری تامین خواهد شد و بدین ترتیب مجموع ثروت سرانه حتی زمانی که نفت و گاز پایان می‌یابد، ثابت باقی خواهد ماند. در همین قالب نیز به الگوی بهینه مصرف ثروت پایان‌پذیر اشاره شده است:

$$\max U = \sum_{t=0}^T \frac{\ln C_t}{(1+\delta)^t}$$

$$s/t: \sum_{t=0}^T \frac{C_t}{(1+r)^t} = \sum_{t=0}^T \frac{Y_t}{(1+r)^t}$$

$$C_t = \left(\frac{(1+r)}{(1+\delta)} \right) C_{t-1}$$

$$C_t = C_{t-1}, \text{ اگر } r = \delta$$

در مورد تحقیقات گروه "پ" نیز می‌توان به تحقیق بانک جهانی تحت عنوان "مفاهیم درآمدهای نفتی برای پس‌انداز و مدیریت ذخایر پولی در کشورهای CEMAC^۱" در زمینه میزان جذب

^۱ . هادی زنون، بهروز، صندوق نفت و عدالت بین نسلی، موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی، ۸۷.

درآمدهای نفتی هزینه شده در کشورهای آفریقای مرکزی اشاره نمود به این ترتیب که روشی در مقاله مذکور عنوان شده مبنی بر این که برای نشان دادن این که چه میزان افزایش در درآمدهای نفتی در کشورهای CEMAC جذب شده است؛ به سراغ تغییرات تراز جاری غیرنفتی در طی یک دوره معین می‌رویم. به این ترتیب که هنگام افزایش سهم درآمد نفتی به GDP بدون نفت اگر حساب جاری غیرنفتی بدتر شود، (افزایش یافتن کسری حساب جاری) به این نتیجه می‌رسیم که اقتصاد کشورهای CEMAC توان جذب مازاد درآمدهای نفتی را نداشته است.^۲

ولی آنچه که در این پایان‌نامه دنبال می‌شود، روش به کار گرفته شده در تحقیقات گروه "الف" می‌باشد به این ترتیب که در این پایان‌نامه به دنبال ارائه راهکاری جهت حفظ ماهیت بین نسلی درآمدهای نفتی و همچنین راهی برای بسترسازی جذب کارآمد درآمدهای نفتی هستیم از این رو به ارائه الگویی برای چگونگی هزینه کردن درآمدهای نفتی و همچنین مدلی برای سنجش ظرفیت جذب اجرائی جهت شناسایی فاکتورهای این ظرفیت و در نهایت افزایش ظرفیت جذب اجرائی هستیم. مدل مورد استفاده در این پایان‌نامه توسط موسسه اروپایی رومانی ارائه شده است^۳ و دارای سه سطح برای بررسی ظرفیت جذب اجرائی است:

- توانائی برنامه‌ریزی (طراحی)

- عملکرد

- کارائی

که ظرفیت جذب اجرائی کارآمد مورد نظر ما (در اینجا در سطح طراحی) در مدل مذکور، با سه عنصر زیر قابل سنجش است:

۱- ساختار جامع

۲- منابع انسانی

۳- وجود سلسله مراتب و رویه سازمانی و دستورالعمل شغلی

عناصر مذکور در ارتباط با فرآیندهای مدیریت، برنامه‌ریزی و اجرا به ایجاد شبکه سنجش ظرفیت جذب اجرائی به شکل ذیل می‌انجامد:

^۱.Central African Economic and Monetary Community

^۲.Drummond, Paulo " Implications of Oil Inflows for Savings and Reserve Management in the CEMAC,IMF Working Paper.

^۳. Oprescue, Gheorghe; Luminita, Daniela; ILIE, Florinel; Pislaru, Dragos; "Analysis of Absorption Capacity of the EU Funds in Romania; European Institute of Romania. Pre-accession impact studies 3.

شبکه سنجش ظرفیت جذب اجرائی دولت			
	وجود سلسله مراتب و رویه سازمانی و دستورالعمل شغلی	وجود منابع انسانی	وجود ساختار جامع
مدیریت	اجرائی کردن نظام استاندارد گزینش و تعیین وظایف نیروی کار	وجود نظام استاندارد گزینش و تعیین وظایف نیروی کار	ایجاد و جایگیری مناسب بخش‌های مدیریت
برنامه ریزی	وجود سابقه تنظیم برنامه ملی	وجود ظرفیت برنامه‌ریزی از نظر مقداری و کیفی	وجود هماهنگی بین وزارتخانه‌ای و مشارکت در شکل‌گیری سیاست‌های اقتصادی
اجرا	وجود نظم و انضباط اداری و مالی برای گزینش پروژه‌های عملیاتی	استفاده مناسب از بخش خصوصی	تعامل مناسب دولت مرکزی با بخش‌های پیرامونی

هر یک از خانه‌های جدول مذکور دارای ویژگی‌های خاصی می‌باشند که در ذیل به طور خلاصه به آنها اشاره می‌شود:

- ایجاد و جایگیری مناسب بخش‌های مدیریتی: که به ایجاد مجموعه‌ای مدیریتی برای نظارت بر آمادگی کلی دولت در مدیریت درآمدهای ارزی اشاره دارد.

- وجود هماهنگی بین وزارت‌خانه‌ای و مشارکت در شکل‌گیری سیاست‌های اقتصادی: که به وجود هماهنگی سیستماتیک و کارا در بدنه دولت اشاره دارد.

- تعامل مناسب دولت مرکزی با بخش‌های پیرامونی: که به توانایی استفاده مناسب دولت مرکزی از بخش‌های پیرامونی اشاره دارد.

- وجود نظام استاندارد گزینش و تعیین وظایف نیروی کار: که به تحقق شایسته‌سالاری در بخش دولتی اشاره دارد.

- وجود ظرفیت برنامه‌ریزی از نظر مقداری و کیفی: که به وجود مهارت‌های تحلیل و پردازشی برای برنامه‌ریزی برای اجرای فعالیت‌های دولت اشاره دارد.

- استفاده مناسب از بخش خصوصی: که به تعامل مناسب دولت با بخش خصوصی جهت انجام وظایفش اشاره دارد.

- وجود دستورالعمل مشخص شرح وظایف شغلی: به وجود شرح وظایف شغلی مشخص اشاره دارد.

- وجود سابقه تنظیم برنامه ملی: به وجود متدهای برنامه‌ریزی اشاره دارد.

- وجود نظم و انضباط اداری و مالی برای گزینش پروژه‌های عملیاتی: وجود ارتباط منسجم و منظم در بدنه اداری دولت اشاره دارد.

ارزیابی کیفیت مدیریت دولت با استفاده از این مدل، به تقسیم‌بندی کشورها به چهار گروه می‌انجامد که هر یک از این گروه‌ها نمایانگر امتیاز دولت در کشورهای مذکور در زمینه ظرفیت

جذب اجرائی است. به این ترتیب در این پایان‌نامه از روش مذکور برای سنجش ظرفیت جذب اجرائی دولت به عنوان یکی از انواع ظرفیت جذب بهره می‌بریم.

۱-۳- سوالات اصلی

۱. چگونه می‌توان ماهیت بین نسلی درآمدهای نفتی را حفظ کرد؟
۲. دولت چه نقشی در حفظ ماهیت بین نسلی درآمدهای نفتی می‌تواند داشته باشد؟
۳. دولت چگونه می‌تواند ظرفیت جذب اجرائی را افزایش دهد؟
۴. ظرفیت جذب اجرائی به چه عناصری بستگی دارد؟
۵. عواقب هزینه کردن درآمدهای نفتی بیش از ظرفیت جذب اجرائی چیست؟

۱-۴- فرضیه

۱- مصرف درآمدهای نفتی در ایران توسط دولت در بین سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۵ با مدل ظرفیت جذب اجرائی دولت انطباق ندارد.

۱-۵- روش شناسی

در این پایان‌نامه با توجه به اهمیت درآمدهای نفتی و نقشی که می‌توانند در روند توسعه کشورهای صاحب منابع نفتی بازی کنند و جهت پاسخگویی به پرسش‌های پایان‌نامه و راستی‌آزمایی فرضیه آن، در ابتدا به تبیین این موضوع می‌پردازیم که راه نجات کشورهای در حال توسعه صاحب منابع نفتی از منجلاب فقر و توسعه‌نیافتگی، سرمایه‌گذاری کارآمد و کارای درآمدهای نفتی جهت دستیابی به رشد اقتصادی و تحقق فرآیند منابع طبیعی-رشد اقتصادی است زیرا راه حل حفظ ماهیت بین نسلی درآمدهای نفتی، به کارگیری آنها در رشد و توسعه اقتصادی است زیرا به این ترتیب رفاه حاصل از رشد و شکوفائی اقتصادی ایجاد شده از این طریق، ماهیت بین نسلی ذخایر و درآمدهای نفتی را می‌تواند حتی در صورت عدم وجود فیزیکی این منابع در سال‌های آتی، برای نسل‌های بعدی حفظ کند. رشد اقتصادی نیز منوط به سرمایه‌گذاری کارآمد درآمدهای نفتی است و به این ترتیب به پرسش چگونگی حفظ ماهیت بین نسلی درآمدهای نفتی پاسخ می‌دهیم. سپس به بررسی نقش دو بازیگر اصلی اقتصاد یعنی دولت و بازار و تعامل مناسب این دو برای تحقق این فرآیند می‌پردازیم. به این ترتیب که دولت و بازار برای تحقق این فرآیند هر یک باید در جایگاه خود به ایفای نقش پرداخته و در جهت افزایش سرمایه‌گذاری دولتی و خصوصی گام بردارند تا

امکان تحقق رشد اقتصادی فراهم شود و از آنجا که قاعدتاً سرمایه‌گذاری توسط دولت و بازار باید همزمان با اجرای وظایف این دو بازیگر انجام شود، به تبیین وظایف دولت و بازار به تفکیک در تحقق فرآیند منابع طبیعی-رشد اقتصادی می‌پردازیم و به این ترتیب به پرسش دیگر پایان‌نامه مبنی بر نقش دولت در حفظ ماهیت بین نسلی درآمدهای نفتی پاسخ می‌دهیم سپس در ادامه توضیح می‌دهیم که جهت کارآمدسازی اجرای نقش دولت در مهم‌ترین حلقه فرآیند منابع طبیعی-رشد اقتصادی، دولت باید موازینی را مد نظر قرار دهد سپس توضیح می‌دهیم که دولتی که بتواند نقش خود را در تحقق فرآیند منابع طبیعی-رشد اقتصادی به خوبی بازی کند و کالاهای عمومی مرتبط با این فرآیند را به خوبی ارائه دهد، باید دارای ویژگی‌های معین و متعددی در قالب ظرفیت جذب اجرائی یا همان چگونگی کیفیت دولت باشد و از آنجا که رشد اقتصادی در فرآیند مذکور منوط به سرمایه‌گذاری کارآمد درآمدهای نفتی است از اینرو حلقه سرمایه‌گذاری در فرآیند منابع طبیعی-رشد اقتصادی از اهمیت ویژه‌ای نسبت به سایر مراحل در ظرفیت جذب اجرائی برخوردار است. ویژگی‌های ظرفیت جذب اجرائی که با این حلقه ارتباط بیشتری دارند از اهمیت بیشتری برخوردارند از اینرو در ادامه به معرفی این ویژگی‌های می‌پردازیم. سپس به سراغ معرفی مدلی می‌رویم که این ویژگی‌ها را جهت سنجش ظرفیت جذب اجرائی در خود جای داده است. معیار انتخاب این مدل نیز داشتن نکات مشترک با ویژگی‌هایی از دولت است که در قالب ظرفیت جذب اجرائی، حلقه سرمایه‌گذاری از فرآیند منابع طبیعی-رشد اقتصادی را محقق می‌سازد. مدل مذکور به بررسی ویژگی‌های ساختار جامع، منابع انسانی و وجود سلسله مراتب سازمانی و دستورالعمل شغلی در سه سطح مدیریت، برنامه‌ریزی و اجرا می‌پردازد. سپس برای هر یک از این ویژگی‌ها، فاکتورهایی را معرفی می‌کنیم که بررسی این فاکتورها در کشورهای مختلف و دادن امتیاز و سپس رتبه‌بندی آنها می‌تواند تعیین‌کننده ظرفیت جذب اجرائی دولت کشور مورد نظر باشد. به این ترتیب، در صورت پائین بودن ظرفیت جذب اجرائی کارآمد کشور، دولت باید به توسعه مدیرتی برای تخصیص درآمدهای نفتی روی آورد تا به این ترتیب بتواند از طریق افزایش ظرفیت جذب کارآمد، فرآیند منابع طبیعی-رشد اقتصادی را تحقق بخشد و مدیریت کارآمد درآمدهای نفتی را جهت دستیابی به رشد اقتصادی در کارنامه خود ثبت کند و به این ترتیب به دو پرسش دیگر پایان‌نامه مبنی بر "ظرفیت جذب اجرائی به چه عناصری بستگی دارد" و "دولت چگونه می‌تواند ظرفیت جذب اجرائی را افزایش دهد" پاسخ می‌دهیم. سپس برای سنجش این مدل در ایران به سراغ انطباق فاکتورهای مدل با برنامه چهارم توسعه به عنوان طرح افزایش کیفیت دولت می‌رویم، به این ترتیب که در صورت موجود بودن فاکتورهای مدل در برنامه چهارم توسعه می‌توان اظهار کرد که کشور از نظر طراحی ظرفیت جذب اجرائی در قانون برنامه که توسط دولت باید اجرا شود،

کارآمد بوده ولی در صورت موجود نبودن این ویژگی‌ها حتی در قانون برنامه چهارم توسعه و دریافت امتیاز پائین از این مدل، باید اذعان داشت که در کشور ما حتی طراحی ظرفیت جذب کارآمد دولت نیز به درستی صورت نگرفته است سپس ظرفیت جذب اجرائی دولت در عمل مطمئناً دچار کاستی و نقصان شدید بوده است. در نهایت پس از انطباق مدل ظرفیت جذب اجرائی با برنامه چهارم توسعه، فرضیه پایان‌نامه مبنی بر عدم انطباق مصرف درآمدهای نفتی ایران با مدل ظرفیت جذب اجرائی دولت اثبات شده و سپس برای پاسخگویی به پرسش عواقب هزینه کردن بیش از ظرفیت جذب اجرائی دولت، پس از مشخص شدن کاستی‌های برنامه چهارم توسعه که همان کاستی‌های طراحی ظرفیت جذب اجرائی دولت است، به بررسی حجم مطلوب مصرف درآمدهای ارزی توسط دولت از نظر برنامه چهارم توسعه می‌پردازیم تا بتوانیم با مقایسه مانده واقعی حساب ذخیره ارزی با ارقام برنامه چهارم توسعه، عملکرد ایران را در زمینه توجه به ظرفیت جذب اجرائی دولت مورد بررسی قرار دهیم و سپس به بررسی تفصیلی عملکرد ایران در هزینه کردن درآمدهای نفتی می‌پردازیم و عواقب هزینه کردن بی‌محابای درآمدهای نفتی را برای اقتصاد کشور برمی‌شماریم. به این ترتیب که از آنجا که دولت براساس ظرفیت جذب اجرائی برنامه چهارم توسعه، قابلیت مدیریت درآمدهای نفتی را حتی در حد و اندازه برنامه چهارم توسعه نداشته است، هزینه کردن بیش از میزان مصوب برنامه اثرات بسیار شدیدی را برروی اقتصاد از خود به جای گذاشته است. این پیامدها خود موید صحت رتبه دولت در مدل ظرفیت جذب اجرائی است و به این ترتیب به پرسش دیگر پایان‌نامه مبنی بر عواقب هزینه کردن بیش از ظرفیت جذب اجرائی نیز پاسخ می‌گوئیم.

بخش دوم

بخش دوم

فصل دوم: فرآیند تبدیل منابع طبیعی به رشد اقتصادی

۲-۱: مقدمه:

در این بخش برآنیم تا نشان دهیم که برای حفظ ماهیت بین نسلی درآمدهای نفتی و همچنین نجات کشورهای در حال توسعه صاحب منابع نفتی از منجلاب فقر و توسعه نیافتگی، کشورها نیازمند تحقق فرآیند منابع طبیعی-رشد اقتصادی هستند و دولت و بازار نیز هر کدام جایگاه ویژه‌ای در تحقق این فرآیند داشته و تعامل مناسب ایندو می‌تواند تحقق فرآیند مذکور را تضمین کند. به این ترتیب به دو پرسش از پرسش‌های پایان‌نامه مبنی بر چگونگی حفظ ماهیت بین نسلی و نقش دولت در آن پاسخ می‌دهیم. البته جهت ارائه تفصیلی و روشن از چگونگی تحقق این فرآیند، این بخش در دو فصل تدوین شده است. به این ترتیب که ابتدا جهت پاسخ به پرسش چگونگی حفظ ماهیت بین نسلی درآمدهای نفتی و نقش دولت در آن، فرآیند منابع طبیعی-رشد اقتصادی را پیشنهاد می‌دهیم و لزوم تحقق این فرآیند را برای نجات کشورهای در حال توسعه مدلل می‌سازیم و سپس اجزاء آن را به تفکیک توضیح می‌دهیم تا در فصل بعدی از این بخش، به تفکیک به بررسی نقش دولت، بازار و تعامل مناسب ایندو برای تحقق فرآیند منابع طبیعی-رشد اقتصادی دست یابیم و در نهایت نشان خواهیم داد که دولتی که بتواند فرآیند منابع طبیعی-رشد اقتصادی را به خوبی تحقق بخشد، دارای ظرفیت جذب اجرائی است و ویژگی‌های کلی ظرفیت جذب اجرائی را نیز ذکر خواهیم کرد و سپس از بین این ویژگی‌ها، تعدادی را که از اهمیت بیشتری برخوردارند برمی‌گزینیم تا در بخش بعدی در قالب مدلی به بررسی آنها بپردازیم. به این ترتیب در ذیل شروع به توضیح لزوم تحقق فرآیند تبدیل منابع طبیعی به رشد اقتصادی برای بهبود وضع کشورهای در حال توسعه صاحب درآمدهای نفتی می‌پردازیم و اجزاء آن را به تفکیک توضیح می‌دهیم:

۲-۲: فرآیند منابع طبیعی-رشد اقتصادی

در این فصل سعی داریم روند کلی‌ای را که در پایان‌نامه دنبال می‌شود به تصویر بکشیم تا فهم رابطه علی بین متغیرهای مورد استفاده در بحث آسان‌تر شود. با توجه به اینکه رویای دستیابی به نرخ بالای رشد اقتصادی همزمان با دستیابی کشورهای در حال توسعه به منابع نفتی محقق نشد در این بخش سعی داریم روندی را نمایش دهیم که می‌تواند کشف منابع طبیعی را به رشد و توسعه اقتصادی ختم کند. بررسی تجارب کشورهای صاحب منابع نفتی عمدتاً نشان می‌دهد که نه تنها این کشورها نتوانسته‌اند استفاده مناسبی از این منابع جهت رشد و توسعه اقتصادی خود و تحقق فرآیند منابع طبیعی-رشد اقتصادی داشته باشند بلکه به علت بی‌کفایتی در استفاده از درآمدهای نفتی به